فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، ص ص ۱۸۶ -۱۵۷

بررسی انتقادی دگردیسی «حجاب چادر» در بازنمایی تلویزیونی: مطالعه معناشناختی دو سریال «آخرین گناه» و «بی‌صدا فریاد کن»[1]

علی جعفری[2]
محمدمهدی اسماعیلی[3]

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۳/۰۳
تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۰

چکیده

تغییرات عارض‌شده بر «حجاب» بانوان در ایران پس از انقلاب اسلامی و مطالعه ابعاد و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن یکی از مسائل مهم و جذاب حوزه «مطالعات فرهنگی حجاب در جمهوری اسلامی ایران» است. «چادر» نیز به عنوان یکی از گونه‌های برجسته و چشمگیر حجاب بانوان در ایران از روند عمومی این تغییرات مستثنی نبوده و بخش‌های قابل توجهی از فرهنگ عمومی و نیز فضای رسانه‌ای ایران به‌ویژه در تلویزیون و سینما، نمایشگاه این دگرگونی‌های متأخر است. اگرچه بخش اعظم کنش‌های چادرمدار بانوان امروز ایران در همان زمینه‌های سنتی و اصیل آن روی می‌دهد اما ملاحظه تغییراتی در نشانه و کارکرد چادر نزد بخش‌هایی از بدنه اجتماعی و نیز بازنمایی‌های رسانه‌ای کافی است تا این پدیده را در شمار مسائل مهم و حساس مطالعات فرهنگی لباس و حجاب در ایران قرار دهد. نوشتار پیش رو به دنبال مطالعه سطوحی از تغییرات نشانه‌شناختی، کارکردی و در نهایت معنی‌شناختی حجاب چادر در سریال‌های تلویزیونی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است. این مطالعه از طریق مصاحبهٔ گروهی با چهار گروه پانزده‌نفره از بانوان حوزوی و دانشگاهی حامل چادر سنتی و اصیل ایرانی در مورد برساخته‌های متأخر

---

۱. مقاله فوق بخشی از یک تحقیق به همین عنوان است که به سفارش و نیز حمایت «مرکز نظارت و ارزیابی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران» انجام شده است.

۲. کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات جمعی، دانشکده صدا و سیما jaefari@isu.ac.ir
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران m.m.esmaeli@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

تلویزیون از «زن و دختر چادری»، در نهایت توضیح می‌دهد که چادر در بسیاری از تولیدات نمایشی صدا و سیما دچار دگردیسی‌های کارکردی و معنایی همه‌جانبه‌ای شده و در نوعی نقض غرض رسانه‌ای و فرهنگی به یک «شنل» خیره‌کننده و جذاب تقلیل یافته است.
واژه‌های کلیدی: حجاب، حجاب چادر، بازنمایی تلویزیونی، سریال آخرین گناه، سریال بی صدا فریاد کن.

مقدمه

چادر یکی از گونه‌های خاص پوشش ایرانی است و بی‌تردید یکی از اجزای فرهنگی برجسته در مراوده‌های اجتماعی مردم این سرزمین به شمار می‌آید. «چادر» در عین اینکه از منظر نشانه‌شناختی کامل‌ترین دالِ مادی به معنای «عفاف و حیای اسلامی» محسوب می‌شود، از رویکرد کارکردگرایی نیز وسیله‌ای نسبتاً کارآمد در برآوردن نیازهای مصونیت‌طلب و باورهای عفیفانه به شمار می‌آید. کنش متقابل با آن نه‌تنها حافظ بلکه موجد بسیاری از روحیات و وضعیت‌های معنوی بی‌مانند و ارتباطات کلامی و غیرکلامیِ معصومانهٔ دختران و زنان ایرانی است. همچنین در تحلیل‌های جامعه‌شناسانه از جامعه ایرانی، گاه به عنوان یکی از شاخص‌های توصیف و تبیین ساختار اجتماعی ـ رفتاری خانواده‌های ایرانی کاربرد دارد (خانواده چادری ـ خانوادهٔ غیر چادری). اتقان معنایی این پدیدهٔ فرهنگی قابلیت آن را در فرایند پیام‌آفرینی و پیام‌رسانی بسیار بالا می‌برد و ظرفیت معنایی قابل توجهی را در منظر سیاست‌گذاران و برنامه‌سازان تلویزیون ایران قرار می‌دهد. این واقعیت موجب شده در بسیاری از تولیدات تلویزیونی، «چادر» به یکی از نشانه‌ها و «چادری» به یکی از نقش‌های اصلی و محوری تبدیل شود.

از سوی دیگر، «چادر» در نظریه هنجاری[1] مدیریت فرهنگی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران «حجاب برتر» است؛ بنابراین در کنار گرایش هنری ـ رسانه‌ای طبیعی سیاست‌گذاران و عوامل حرفه‌ای رسانه ملی برای بهره‌برداری برنامه‌سازانه از آن، نوعی قانون ادراکی و رسمی رسانه‌ای برای تأیید و ترویج «چادر» هماره وجود داشته است (ن.ک: جزوهٔ اجرایی سیاست‌های افق رسانه). اجرای این قانون در ده سال اخیر تلویزیون ایران بسیار تقویت شده که افزایش تدریجی نقش‌های «چادربه‌سر» سریال‌های تلویزیونی، مجریان «چادربه‌سر» برنامه‌های مختلف و نیز کارشناسان «چادری» مدعو به استودیوها گواه این واقعیت است. امروزه دیگر به جرئت

1. Normative Theory

Archive of SID
www.SID.ir

می‌توان گفت معضلی به نام مهجور یا مغفول ماندن چادر در فرایند تولید و پخش تلویزیون ایران تا حدود قابل قبولی از بین رفته است. البته به موازات توسعه فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی در ده سال اخیر، نمی‌توان از شکل‌گیری برخی تغییرات نسبتاً قابل ملاحظه در انگارهٔ برساختهٔ تلویزیون از «زن چادری»، به‌ویژه نقش‌های چادر به سرِ سریال‌ها، غافل بود. رصد پایدار نحوهٔ ظهور نقش‌های چادری در سریال‌های تلویزیونی نشان می‌دهد با افزایش تدریجی نشانه چادر، انگارهٔ تلویزیونی زن چادری از وضعیت بسیط یک دههٔ قبل به سوی انگاره‌هایی بسیار جدیدتر و پیچیده‌تر در حال تغییر بوده است. به نظر می‌رسد مشاهده همین میزان از تغییر در «چادر تلویزیونی» برای تبدیل آن به مسئله مطالعاتی کفایت کند تا در پرتو تحقیقاتی از این دست، وجوه مختلف و پیامدهای احتمالی (مثبت یا منفی) آن روشن‌تر شود؛ بنابراین در شرایطی که رابطهٔ «تلویزیون» و «حجاب چادر» از سادگی یک دههٔ قبل رو به پیچیدگی و چندگانگی تمایل کرده، لازم است تا امکانات تحلیلی سیاست‌گذاران، مدیران و برنامه‌سازان تلویزیون نیز به همان میزان و حتی بیش از آن ارتقا یابد؛ در غیر این صورت اشراف نظری بر پدیده‌های فرهنگی و تعامل آگاهانه با آنها جای خود را به دنباله‌روی ابهام‌آلود و کور خواهد داد. تحقیق اکتشافی پیش‌رو بر آن است تا به بررسی چگونگی تعامل «خانم‌های چادری سنتی» با «نقش‌های چادری امروزین سریال‌های تلویزیونی» بنشیند؛ اینکه دیدگاه حاملان و صاحبان اصلی چادر ایرانی در خصوص انگاره‌های به نسبت دست‌کاری‌شدهٔ تلویزیونی آن چیست می‌تواند مسئله‌ای مهم و جالب از نظر مطالعاتی به شمار آید. بر اساس مقدمات فوق پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. آیا زنان و دختران صاحب چادرهای استاندارد و اصیل که چادر آنها مصداق حجاب برتر مورد نظر سیاست‌گذاران فرهنگی رسانه ملی است، نقش‌های چادری سریال‌های تلویزیونی را همانند خود و از خود می‌دانند و متصف به صفت «چادری» می‌پندارند یا خیر؟ اگر آری چرا و اگر نه چرا؟

۲. اگر خانم‌های چادری، نقش‌های چادر به سر سریال‌های تلویزیونی را به معنای واقعی کلمه «چادری» نمی‌دانند، پس به‌رغم همراهی «چادر» با نقش، چه تلقی‌ای از آنها دارند؟

چهارچوب نظری تحقیق

این تحقیق ارتباطی، در کلیّت خود تحت سنت مطالعاتی «مکتب تبادل و دریافت معنی» در

Archive of SID
www.SID.ir

دانش ارتباطات قرار می‌گیرد و به دنبال آن است که از منظر محکمات این پارادایم علمی، به بررسی مسئله پیش‌گفته بپردازد. ادبیات نظری دانش ارتباطات حداقل از چهار مکتب تأثیرگذار تشکیل شده که عبارتند از: مکتب انتقال، مکتب توجه، مکتب تبادل و دریافت معنی و مکتب آیینی (مک کویل، به نقل از مهدیزاده ۱۳۸٤). *مک‌کویل* با تقسیم‌بندی چهارگانه از دیدگاه‌ها و تعاریف موجود در مورد «ارتباط» و بررسی هریک از آنها ذیل دو متغیر جهت‌گیری فرستنده و جهت‌گیری دریافت‌کننده سعی داشته دیدگاه ارتباط‌شناسانهٔ مشخص آنها را در جدول ذیل توضیح دهد:

ردیف	رویکرد	جهت‌گیری فرستنده	جهت‌گیری گیرنده
۱	انتقالی	انتقال معنی [یا پیام]	پردازش شناختی
۲	آیینی	موفقیت ـ اجرا	نقطه اوج وصل / تجربه مشترک
۳	توجه	نشان دادن ـ رقابت	جلب توجه / تماشا کردن
٤	دریافت	رمزگذاری مرجح	رمزگشایی متضاد / ساخت معنی

جان فیسک اهمیت دو مکتب عمده در مطالعات ارتباطات را بیش از بقیه می‌داند. نخستین مکتب، ارتباط را انتقال پیام‌ها می‌داند و مکتب دوم آن را تولید و تبادل معنی برمی‌شمارد (فیسک، ۱۳۸٦: ۱۱-۱۰).

مکتب تولید و مبادله معنی

این مکتب در پی آن است که چگونه پیام‌ها یا متن‌ها در کنش متقابل با مخاطبان ـ بخوانید مردم ـ قرار می‌گیرند تا معنا تولید کنند؛ یعنی به نقش متن‌ها در فرهنگ تمرکز دارد. حال این متن می‌تواند یک گفتار ساده، کتب و مطبوعات، تلویزیون و رادیو و سینما، معماری، طبیعت، ماشین و تکنولوژی و یا... باشد. این مکتب لزوماً به دنبال ارتقای سطح دقت در ارتباط از طریق کاهش اختلالات نیست چون اختلال‌ها را لزوماً عاملی بیرونی و بیگانه نمی‌شمرد چه اینکه آنها ناشی از تفاوت‌های فرهنگی بین فرستنده و گیرنده است؛ بنابراین هر نوع عدم تفاهم و رابطه به معنی ناکارآمدی سیستم‌های ارتباطی نیست. منظور این مکتب از بررسی ارتباط، مطالعه متن و فرهنگ از روش نشانه‌شناسی است. در این مکتب نه‌تنها نسبت مستقیم فرستنده و پیام نادیده

Archive of SID
www.SID.ir

انگاشته شده بلکه این پیام است که از طریق کنش متقابل با دریافت‌کنندگان معنی را به وجود می‌آورد. بدین ترتیب معانی موجود در ذهن ارتباط‌گر اعتبار خود را از دست داده و معنی در فرایند تبادل ساخته می‌شود. پس تأکید بر متن و چگونگی تعامل آن ـ بخوانید خوانش آن ـ است تا تأکید بر فرستنده و چگونگی دخل و تصرف او در پیام. در این میان آنچه نقش اول را در دریافت معنی از سوی گیرنده ایفا می‌کند تجارب فرهنگی و زمینه‌های اجتماعی اوست. لذا می‌توان انتظار داشت از یک متن واحد خوانش‌های مختلف صورت پذیرد و بالتبع معانی متفاوتی تولید شود. البته این تفاوت در تبادل معنی کاهش دقت ارتباط تلقی نمی‌شود و اینچنین است که فیسک نتیجه می‌گیرد:

«پس پیام چیزی نیست که از «الف» به «ب» فرستاده شود، بلکه عنصری است در رابطه‌ای ساختمند که عناصر دیگرش واقعیت خارجی و تولیدکننده / خواننده را در بر می‌گیرد. تولید و خوانش متن اگر همسان انگاشته شوند، روندهای متوازنی فرض می‌شوند که جای واحدی را در این رابطه ساختمند اشغال کرده‌اند. می‌توانیم این ساختار را همچون نمونه‌ای سه‌وجهی در نظر بگیریم که پیکان‌هایش نمایندهٔ کنش متقابل و مردم است؛ ساختار، عملکرد ایستایی نیست بلکه پویاست» (فیسک، ۱۳۸٦: ۱۳).

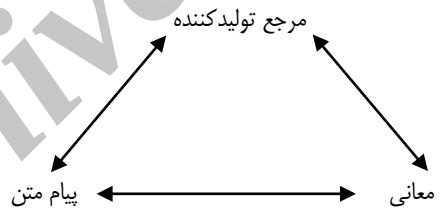

دیدگاه‌های استوارت هال (مکتب مطالعات فرهنگی)

استوارت هال که بسیاری او را واضع نظریه دریافت می‌دانند اذعان می‌کند: ارتباط‌گران پیام را بر اساس اهداف سازمانی و ایدئولوژیکی رمزگذاری می‌کنند (رمز مرجح)؛ اما دریافت‌کنندگان یا رمزگشایان، ملزم به پذیرش پیام آن‌گونه که فرستاده شده نیستند بلکه می‌توانند منطبق با دیدگاه‌ها و تجربه‌های خود با قرائت متفاوت آمیخته به مقاومت فرهنگی، رمز پیام را به طور متضاد بگشایند.

هال در مقاله «رمزگذاری و رمزگشایی گفتمان تلویزیونی» توضیح می‌دهد که برنامه تلویزیونی یا دو متن رسانه‌ای مشابه، به عنوان گفتمان معنی‌دار، بر اساس ساختار معنی مورد

Archive of SID
www.SID.ir

نظر سازمان تولید رسانه‌های جمعی رمزگذاری می‌شود اما متن رمزگذاری‌شده بر اساس ساختار معنی متفاوت و چهارچوب‌های معرفتیِ مخاطبان رمزگشایی می‌شود (مک کویل، به نقل از مهدیزاده، ۱۳۸٤: ۹). وی همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که فرایند ارتباطی از لحظه تولید پیام تا لحظه دریافت آن از سوی مخاطب باید به صورت یک کلیت در نظر گرفته شود. هال استدلال می‌کند متون چند معنایی هستند و امکان استنباط بیش از یک معنی یا قرائت از آن وجود دارد. یعنی میان پیامی که به وسیله فرستنده رمزگذاری می‌شود و آنچه از سوی مخاطب رمزگشایی می‌شود، لزوماً انطباق وجود ندارد. کمک مهم هال به مطالعات مخاطب در مدل رمزگذاری/ رمزگشایی، تغییر جهت از تحلیل متن به تحلیل روابط پیچیده و پویای متن با خواننده و بیننده است. معنی در فرایند مبادله میان خواننده یا بیننده و متن، و برداشت‌هایی که از این مبادله برای مخاطب حاصل می‌گردد، خلق می‌شود (مهدیزاده، ۱۳۸٤: ٥٤). نظریه دریافت با آنچه در عمل مصرف اتفاق می‌افتد سروکار دارد یعنی با این موضوع که گیرنده چگونه به محتوای معینی روی می‌آورد و آن را تفسیر می‌کند. این نظریه عبارتی کلی است برای جهات گوناگونی که در ویژگی‌های ذیل آمده است: افراد چهارچوب‌هایی را برای تفسیر محتوای رسانه‌ها تشکیل می‌دهند؛ این چهارچوب‌ها ممکن است کم‌وبیش با چهارچوب‌های دیگران مشترک باشند. رسانه‌ها آنها را مطرح کرده و آموزش داده‌اند و یا از نیازها و تجارب افراد ناشی شده است. چهارچوب‌ها سبب می‌شود افراد مختلف محتوای یکسان را به شکل‌های گوناگون تعبیر و تفسیر کنند (ویندال، سیگنایزر و اولسون، ۱۳۷٦).

روش مصاحبه گروهی و دلایل انتخاب آن

جست‌وجوی «معنای حجاب چادر» نزد بانوان چادری اصیل و مقایسه آن با معنای متجلی‌شده از «چادر به سرانِ سریال‌های تلویزیونی» در ذهنیت ایشان، هدف اصلی تحقیق پیش روست. تعقیب این غایت «معناپژوهانه» بیش از هر روشی از طریق مصاحبه و گفت‌وگو میسر است. اما در این تحقیق به واسطه برخی اقتضائات ـ که توضیح آن خواهد آمد ـ از میان انواع مصاحبه‌های دارای کاربرد در تحقیقات فرهنگی و اجتماعی، روش «مصاحبه گروهی»[1] انتخاب شده است. این روش، راهبردی پژوهشی برای فهم نگرش‌ها و رفتار مخاطبان یا مصرف‌کنندگان است. در این مصاحبه بین ٦ تا ۱۲ نفر به طور همزمان مصاحبه می‌شوند و یک ناظر، پاسخگویان

1. Focus Group

Archive of SID
www.SID.ir

را در جریان یک جلسه گفت‌وگوی تقریباً انتظام‌نیافته درباره موضوع محوری بحث هدایت می‌کند (ویمر و دومینینگ، ۱۳۸٤: ۱۸۸). هدف اصلی مصاحبه تمرکز [متمرکز] گروهی، آگاهی از نگرش‌ها، احساسات، باورها، تجارب و واکنش‌هایی است که اطلاع از آنها با به‌کارگیری شیوه‌های دیگر گردآوری اطلاعات مانند مصاحبه‌های انفرادی، مشاهده یا پیمایش پرسشنامه‌ای امکان‌پذیر نیست. این نگرش‌ها، احساسات یا باورها می‌توانند تا اندازه‌ای مستقل از گروه یا محیط اجتماعی باشند، اما احتمال آشکار شدن آنها در میان جمع و در شرایط تعاملی موجود در مصاحبه تمرکز گروهی [متمرکز گروهی]، بیشتر است (حریری، ۱۳۸۵: ۱۷۲). دلایل اصلی تحقیق پیش رو برای مطالعه مسئله خود از طریق مصاحبه گروهی عبارتند از:

۱. تماشای تلویزیون در ایران اغلب در بستری جمعی شکل می‌گیرد؛ یعنی بینندگان علاقه‌مند هستند در کنار یکدیگر به تماشای برنامه‌های تلویزیون بنشینند. «خانواده‌محور» بودن ساختار اجتماعی جامعه ایرانی را می‌توان از علل اصلی این واقعیت قلمداد کرد. بدیهی است به دلیل تجربه مصرف جمعی تلویزیون نزد تماشاگران ایرانی، ایشان در حضور یکدیگر و در کنار هم راحت‌تر درباره آنچه پیشتر به تماشای آن نشسته‌اند گفت‌وگو می‌کنند. شبیه‌سازی آیین‌های ایرانیِ تماشای تلویزیون در فرایند مصاحبه گروهی علاوه بر اینکه زمینه مساعدتری را برای حضور ذهن در خصوص برنامه دیده‌شده و نیز حرف‌های گفته و شنیده‌شده حین و پس از تماشا فراهم می‌کند، همچنین از طریق هم‌افزایی گفت‌وگوها میان گروه‌های هم‌سنخ و همگرا، حاضرین را برای ورود بدون نگرانی، صمیمی و جدی به میدان اظهار نظر و راحت حرف زدن تشویق می‌کند.

۲. مسئله تحقیق جزء مسائل حساس و خصوصی شرکت‌کنندگان نیست بلکه بیشتر مسئله‌ای اجتماعی و مربوط به رسانه‌هاست که گفت‌وگوهای عمومی در مورد آنها بارها رخ می‌دهد؛ بنابراین به احتمال زیاد مصاحبه‌شوندگان خود را در شرایط بسیار جدید یا عجیبی نخواهند یافت تا تحقیق را دچار اختلال کند؛ به‌ویژه اینکه اداره‌کنندهٔ مصاحبه می‌تواند با به‌کارگیری مهارت‌ها و اقداماتی، اختلالات عمومی و معمول را بسیار کاهش دهد.

۳. سؤال تحقیق امری بسیار عمیق و روان‌شناسانه را دربرنمی‌گیرد تا احتیاج به مصاحبه‌های عمیق داشته باشد. پاسخ به پرسش‌هایی از این دست که «به نظر شما چادر دارای چه ویژگی‌ها و تمایزاتی نسبت به سایر حجاب‌هاست» و اینکه «شما چرا آن را برگزیده‌اید؟» و نیز پاسخ به این پرسش که «آیا خانم‌های مشاهده‌شده در سریال را چادری می‌دانید یا خیر؟» و پرسش‌هایی از این سنخ، با مصاحبه گروهی به‌راحتی قابل استخراج است.

Archive of SID
www.SID.ir

٤. مصاحبه‌های شخصی با تک‌تک خانم‌ها از جهاتی دارای محدودیت‌های بسیار بود و با توجه به اینکه ایشان خانم‌هایی با درجه حیا و حریم بالا هستند، نفس گفت‌وگوی خصوصی می‌توانست به حساسیت مصاحبه‌شوندگان بیانجامد. از سوی دیگر آماده کردن مصاحبه‌کنندگان خانم برای انجام این کار احتیاج به صرف وقت و هزینه بالایی داشت.

بر اساس ضرورت‌های گفته‌شده و سایر مواردی که توضیح آنها ضروری به نظر نمی‌رسد روش مصاحبه گروهی برگزیده شد. این مصاحبه چهار ویژگی دارد که عبارتند از:

۱. با پاسخگویانی که تجربه خاص دارند اجرا می‌شود (همهٔ خانم‌ها باید تجربه و سابقه قابل قبولی از بهره‌برداری از حجاب چادر سنتی داشته باشند).

۲. موقعیت‌ها باید پیش از مصاحبه تحلیل شود. این فرایند بر اساس راهنمای ویژه مصاحبه حول فرضیه‌های پژوهش انجام می‌شود. در طول مصاحبه‌ها مدیر جلسه باید گفت‌وگوها را کاملاً ناظر به ویژگی‌های حجاب چادر خانم‌های حاضر در جلسه و تفاوت‌ها یا شباهت‌های آن با حجاب «نقش‌های چادر به سر سریال» هدایت کند و در نهایت معنایی را که از چادر و نقش چادری سریال در ذهن مصاحبه‌شوندگان متجلی می‌شود، تعقیب کند.

۳. این مصاحبه حول تجربه‌ها و موضوعاتی که برای پژوهش در نظر گرفته شده متمرکز می‌شود (نچمیاس، ۱۳۸۱: ۳۳٤). در این مصاحبه‌ها اگرچه رودررویی مصاحبه‌کننده و پاسخگو منظم و برنامه‌ریزی شده و جنبه‌های اصلی مطالعه تبیین شده، ولی پاسخگویان در موقعیتی قرار دارند که به طور قابل ملاحظه‌ای آزادند... مصاحبه متمرکز امکان به دست آوردن جزئیات واکنش‌ها، احساسات و امثال آنها را به پژوهشگر می‌دهد. پژوهشگر که پیشتر موقعیت را مطالعه کرده [بخوانید به طور اجمالی به روند تغییرات در حجاب چادر آگاه است و آن را تعقیب نموده] در مورد ناهماهنگی‌ها و از قلم افتادن داده‌هایی که ممکن است برای روشن کردن مسئله مورد نیاز باشد حساس است (نچمیاس، ۱۳۸۱: ۳۳۵).

تعداد مصاحبه‌ها، زمانبندی و نوع افراد شرکت‌کننده در آنها

در این مطالعه چهار مصاحبه گروهی صورت گرفته که هریک به مدت تقریبی یک ساعت و نیم به طول انجامیده است. دو مصاحبه گروهی با خانم‌های حوزوی در یک حوزه علمیه بانوان در مرکز شهر تهران و دو مصاحبه با دختران دانشجو در مرکز نظارت و ارزیابی‌صدا و سیما انجام شده است. هر چهار مصاحبه در شهریور ۱۳۸۷ صورت گرفته است. شرکت‌کنندگان

Archive of SID
www.SID.ir

در هریک از جلسات به طور میانگین ۱۲ الی ۱۵ نفر بوده‌اند. این تعداد به‌رغم اینکه از حد استانداردهای معمول مصاحبه گروه (٦ الی ۱۲ نفر برای هر جلسه) کمی بیشتر است ولی به دلیل حدس درست محقق در احتمال صحبت نکردن تعدادی از خانم‌ها و همچنین عدم تماشای سریال‌ها از سوی برخی از آنها چنین تصمیمی گرفته شد. اعضای جلسه مصاحبه با حوزوی‌ها همه از طلاب حوزه علمیه کوثر واقع در خیابان بهشت جنب پارک شهر تهران و اعضای جلسه مصاحبه با دانشجویان ترکیبی از دانشجویان مشغول به تحصیل در شهر تهران (به غیر از چند مورد استثنا از دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از تهران) بوده‌اند. این جلسات با اجازه اعضا و جلب اطمینان ایشان ضبط تصویری شد تا به هنگام پیاده شدن نوارها، صاحب هر نظر و سخن مشخص باشد. در گزینش بانوان چادری شرکت‌کننده در جلسات مصاحبه، مسئله مهم تأکید بر «چادریِ سنتی بودن» خانم‌های شرکت‌کننده بود. منظور از خانم‌های چادری سنتی کسانی هستند که به هنگام استفاده از چادر روگیری کامل دارند و روابط ایشان با زنان و محارم در قیاس روابط ایشان با نامحرمان دارای تفاوت‌های قابل توجه و جدی‌ای است؛ همچنین نسبت به رعایت احکام شرعی تقیّد قابل ملاحظه و نسبتاً بالاتری از سطوح عمومی اجتماع دارند. مختص کردن مصاحبه با بانوان چادری به دو گروه «حوزوی» و «دانشگاهی» ناشی از دو ضرورت مهم پژوهشی بود:

۱. توجه کردن به تفاوت‌های احتمالی دیدگاه‌های ایشان در مورد «چادر تلویزیونی»؛ چه اینکه زندگی علمی بانوان حوزوی در فضایی خالی از پسران و مردان، و فضای زندگی دانشگاهی طرف مقابل در همراهی و همکلاسی مشترک با پسران و مردان است. ضمن اینکه دانشگاهیان به نسبت حوزویان از مواجهات نزدیک‌تر و عینی‌تری با پدیده چادری‌های جدید در فضای زیست علمی و اجتماعی خود برخوردار بوده‌اند.

۲. بانوان دانشگاهی و حوزوی احتمالاً بیش از سایر بانوان چادری فعال در صنوف و گروه‌های اجتماعی دیگر توانایی خوب و راحت سخن گفتن و مباحثه کردن در مورد پدیده‌های فرهنگی جدید را داشته باشند.

نحوه اداره جلسه

در هر جلسه پس از طی یک سری مقدمات لازم مثل معرفی خانم‌های شرکت‌کننده در هر مصاحبه از سوی خودشان در حد نام خانوادگی و رشته تحصیلی و نیز معرفی مدیر جلسه

Archive of SID
www.SID.ir

و مجری مصاحبه و برخی توضیحات ضروری در مورد موضوع تحقیق و سفارش‌دهنده آن، ابتدا چند مطلب مختصر و کلی درباره حجاب چادر به عنوان حجاب خاص زنان ایرانی به شرکت‌کنندگان ارائه و سپس از آنها خواسته می‌شد هریک علت انتخاب حجاب چادر را برای خودشان توضیح دهند. پس از این مرحله که به صورت گفت‌وگوی مجری مصاحبه با شرکت‌کنندگان یا گفت‌وگوی ایشان با هم بود، صحنه‌هایی از سریال «آخرین گناه» نمایش داده می‌شود و بلافاصله پس از پایان صحنه‌ها از خانم‌ها سؤال می‌شد که «آیا شما خانم نقش اول حاضر در سریال را «چادری» می‌دانید یا خیر؟.پس از انجام گفت‌وگوها و کفایت آنها (معمولاً به میزان ۲۰ دقیقه)، صحنه‌هایی از سریال دوم (بی‌صدا فریاد کن) پخش و باز همان روال قبلی تکرار می‌شد. سپس و در صورت اینکه شرکت‌کنندگان نقش‌های چادر به سرِ به نمایش درآمده را چادری اعلام نمی‌کردند، پرسش آخر مطرح می‌شد که: «حال که این چادر به‌سران را چادری نمی‌پندارید پس آنها را چه می‌پندارید؟».

نحوه گزینش سریال‌های تلویزیونی و چگونگی نمایش آنها به مصاحبه‌شوندگان

در این تحقیق با توجه به محدودیت‌های زمانی در اجرای مصاحبه‌ها، امکان نمایش بیش از دو سریال تلویزیونی فراهم نبود لذا در نمونه‌گیری از مجموعه سریال‌های تلویزیونی محدودیت‌های وجود داشت:

۱. سریال‌ها باید مربوط به سال‌های اخیر می‌بودند تا مصاحبه‌شوندگان در مورد آنها حضور ذهن داشته باشند. از سوی دیگر حداکثر مدت زمان پخش از هر سریال در جلسات مصاحبه ۲۰ دقیقه بود و این محدودیت ایجاب می‌کرد تا با پخش حداقل تصاویر، حداکثر یادآوری و حضور ذهن در بانوان مصاحبه‌شونده ایجاد شود، بنابراین انتخاب نزدیک‌ترین سریال‌ها از جهت زمانی به جلسه مصاحبه بسیار مورد تأکید بود.

۲. سریال‌های منتخب باید جزء پرطرفدارترین‌ها می‌بودند تا اطمینان نسبت به مورد تماشا واقع شدن آنها تا حد قابل قبولی حاصل شود.

۳. شخصیت چادری باید شخصیت نقش مثبت سریال باشد تا سوگیری‌های القایی نقش‌های منفی، نگاه منفی مصاحبه‌شونده را به حجاب چادر و صاحب آن حجاب تشدید نکند یا به وجود نیاورد. البته مثبت بودن نقش شخصیت چادری نیز می‌توانست به نگاه مثبت مصاحبه‌شوندگان بیانجامد ولی به دلیل اینکه محقق بر اساس مطالعات و تجربیات خود در این موارد، احتمال رویکرد مثبت مصاحبه‌شوندگان را بسیار اندک می‌دانست، چنین کرد.

Archive of SID
www.SID.ir

با توجه به محدودیت‌های برشمرده، دو سریال «آخرین گناه» و «بی‌صدا فریاد کن» انتخاب شد که شخصیت چادر در اولی: دختری مجرد، در میانه نوجوانی و جوانی، در خانواده‌ای با درجه مذهبی بالا، بدون شغل دولتی یا خصوصی و شخصیت چادر دومی: متأهل، در میانه جوانی و میان‌سالی، در خانواده‌ای میانه، دارای اشتغال اجتماعی جدی (پلیس) ظاهر شده بود. این دو شخصیت چادری تقریباً می‌توانند نمایندگی حداقل دو تیپ جدی زنان و دختران چادری سریال‌های تلویزیونی را نمایندگی نمایند که اولی دارای تغییرات نسبتاً کمتری از چادر سنتی به نسبت دومی بوده است (در حقیقت نمونه‌هایی از دو سر طیف انتخاب شده اند).

ملاک‌های روش‌شناختی مرتبط با گزینش صحنه‌های مربوط به هر سریال

در گزینش صحنه‌های سریال‌ها، (از هریک در مجموع به مدت تقریبی ۲۰ دقیقه) سعی شد نکات ذیل رعایت شود:

۱. محوریت صحنه با زنان چادری باشد؛

۲. صحنه‌هایی دارای اولویت است که آغاز و پایان آن با تصویر زن چادری باشد؛

۳. در مجموع صحنه‌ها انواع حالات آرایشی، رفتاری و پوششی زن چادری موجود باشد؛

٤. در مجموع صحنه‌ها انواع تعاملات زن چادری با سایر شخصیت‌ها موجود باشد.

۵. اولویت با صحنه‌هایی است که برای خانم‌ها جذاب باشد چون قرار است درباره آن صحنه‌ها صحبت کنند (کمک گرفتن از یک مشاور خانم برای تشخیص چنین صحنه‌هایی)؛

٦. تعاملات مثبت و منفی زن چادری در مجموع صحنه‌ها لحاظ شود؛

۷. صحنه‌هایی دارای اولویت است که مراودات خانم چادری را با نامحرمان نشان دهد.

فرایند گزینش صحنه‌های مربوط به هر سریال

۱. ابتدا پژوهشگر یک بار تمام سریال را می‌بیند؛

۲. در مرحله دوم، تماشای سریال به همراه یک خانم مشاور صورت می‌پذیرد؛

۳. در مرحله سوم با کمک مشاور خانم شروع به گزینش صحنه‌ها می‌کنیم؛

٤. سعی می‌کنیم صحنه‌ها به روال داستان پشت سر هم قرار گیرند مگر اینکه استثنایی باشد که در چند صحنه وجود داشت؛

۵. صحنه آخر باید طولانی‌تر از سایر صحنه‌ها باشد و در آن انگاره پررنگ‌تری از زن چادری موجود باشد؛

٦. صحنه اول، تیتراژ سریال باشد تا نوعی یادآوری از سریال محسوب شود زیرا از زمان پخش آن حدود دو سال گذشته بود.

Archive of SID
www.SID.ir

بر اساس ملاحظه‌های گفته‌شده برای سریال «بی‌صدا فریاد کن» ۲۳ صحنه به مدت ۲۱ دقیقه و ۶۳ ثانیه و برای سریال «آخرین گناه» ۲۵ صحنه به مدت در حدود ۱۵ دقیقه گزینش شد.

فرایند طبقه‌بندی محتوای مصاحبه‌ها

پس از پیاده شدن مصاحبه‌ها بر روی کاغذ و مطالعه دقیق مطالب ابرازشده دریافتیم که در دیدگاه‌های دو طیف «دانشجو» و «طلبه» نوعی همگرایی کاملاً محسوس وجود دارد، به نحوی که تفکیک هریک از دیگری ـ بجز در برخی موارد بسیار خاص که بدان اشاره خواهد شد ـ تقریباً غیرممکن است. بر این اساس می‌توان نخستین دستاورد جدی تحقیق را همگرایی دیدگاه دانشجویان و طلاب در مورد مؤلفه‌های حجاب چادر و نیز معنای انگاره چادر به سران سریال‌های تلویزیونی اعلام کرد. بنابراین در تحلیل نهایی، نظرات مصاحبه‌شوندگان دانشجو و طلبه در کنار هم تدوین خواهند شد و همه آنها با عنوان «معنای انگاره تلویزیونی چادر نزد بانوان تحصیلکرده (طلبه/ دانشجو) چادری» ارائه می‌شود. واقعیت فوق البته فرایند تحلیل نظرات را سهولت بیشتری بخشید و دیگر لازم نبود بخشی از توضیحات به تفاوت دیدگاه‌های صاحبان دو پایگاه اجتماعی متفاوت اختصاص یابد. به نظر می‌رسد فرهنگ مذهبی و بالتبع آن گفتمان عفاف و حیایی که حول چادر برای دو طیف مذکور (دانشجویان و طلاب) شکل گرفته است، بیش از دو فضای علمی متفاوت حوزه و دانشگاه بر این خانم‌ها سیطره داشته و در خصوص شکل‌گیری گفتمان فکری ـ فرهنگی آنها در مورد عفاف و حجاب نقش ایفا کرده است. در این چهارچوب، چادر دیگر یک پوشش خاص نیست بلکه اعتقادی معنی‌ساز و واقعیتی ایدئولوژیک است که در پرتو آن نوعی همدلی و همزبانی گسترده و عمیق فرهنگی بین «چادری‌ها» به وجود می آید. در این مورد در آینده بیشتر سخن خواهیم گفت. در این تحقیق محتوای مصاحبه‌های گروهی در گام نخست بر اساس مضامین مربوط به «ویژگی‌های حجاب چادر» در چهار وجه «مادی (ظاهری)»، «رفتاری»، «اجتماعی» و «معنوی» دسته‌بندی شد. در گام دوم مضامین مربوط به «معنای حجاب چادر» و در گام سوم مضامین ابرازشده مربوط به «معنای چادر تلویزیونی» استخراج و طبقه‌بندی شد که بدین ترتیب ارائه می‌شود:

چادر به مثابه یک سبک زندگی

نخستین دریافت علمی تحقیق از مجموعه بررسی‌های مربوط به نظرات بانوان چادری مصاحبه‌شونده این است که در نظرگاه ایشان چادر فقط یک «لباس» نیست بلکه فرهنگی جامع

Archive of SID
www.SID.ir

و نوعی بینش و تفکر است. به عبارت دیگر واژهٔ «چادر» فقط پوششی پارچه‌ای و مشکی را به ذهن ایشان متبادر نمی‌کند بلکه انبوهی از رفتارها، روحیات و معانی را نیز ضمیمه دارد که در مجموع یک سبک زندگی کامل و متمایز فردی ـ اجتماعی را شکل می‌دهند. دامنهٔ این سبک زندگی از مهارت‌های استفادهٔ درست از پارچه مشکی (چادر) آغاز می‌شود و اموری مثل نحوهٔ آرایش و پوشش‌های جانبی را دربرمی‌گیرد تا مسائل مربوط به چگونگی تنظیم ارتباطات با نامحرمان گسترش می یابد و حتی به حوزهٔ رفتارهای روزمره و معمول بانوی چادری در ارتباط با دیگران و در نهایت کیفیت مواجهاتش با خداوند کشیده می‌شود:

خانم ۱۲ از مصاحبه ۱: «صِرف چادر سر کردن را حجاب نمی‌گویند. کسی که چادر دارد در همهٔ حرکات و رفتارهایش تصویر حجاب باید مشخص باشد».

خانم ٦ از مصاحبه ۲: «چادر سر کردن یک سری مبناهای اعتقادی خاصی دارد. چادر نمادی است از آن اعتقادات و باورهای درونی. انسان هر چیزی را می‌پذیرد، چیزهایی را که به دنبالش می‌آید هم باید بپذیرد. چادر ملزوماتی دارد مثل رعایت بیشتر محرم و نامحرمی، مثل نگاه و طرز راه رفتن و حرف زدن».

«عفاف» مبنای سبک زندگی «چادرمحور»

سلوک چادر محور، کلیتی برآمده از «عفاف متکی به تقوا» است که بسان روحیه‌ای درونی و ریشه‌دار در انسان‌های متعبد و متدین به وجود می‌آید. این نوع عفاف تمام ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی آدمی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و در نهایت به سبکی از زندگی تبدیل می‌شود. از این منظر، «چادری بودن» سبکی از زندگی مذهبی به شمار می‌رود که مابه‌ازای عینی و فرهنگی روحیه عفاف اسلامی است. بانوان چادری برای اشاره به روحیه و نیروی مذکور سعی داشتند واژهٔ چادر را در ترکیبی اضافی به همراه واژه‌هایی چون «حقیقت» و «واقعیت» به کار گیرند:

خانم ۱ از مصاحبه ٤: «[بازیگر سریال آخرین گناه] را مطلقاً چادری نمی‌دانم؛ چون به نظرم کسی که حقیقت چادر را قبول کرده، همهٔ کارهایش باید درست باشد...؛ از نظر مذهبی باید معتقد باشد». بر اساس توضیحات فوق می‌توان نتیجه گرفت سبک زندگی چادری به محض جدایی از زمینه عفت اسلامی دچار اختلال می‌شود:

خانم ٦ از مصاحبه ۱: «حجاب و عفاف باید در کنار هم باشند. خانم مانتویی [می‌تواند] عفاف داشته باشد در عین حال که حجابش [به نسبت چادر] کامل نیست. بعضی هم چادر به سر می‌کنند ولی عفاف ندارند».

Archive of SID

www.SID.ir

وجوه چهارگانه در فرهنگ و ارتباطات چادرمحور

بر اساس مقدمات پیش‌گفته که اولاً چادری بودن را در ارتباط با متغیرهایی بیش از استفاده از پارچه سراسری مشکی ارزیابی می‌کند و ثانیاً «عفت اسلامی» را عامل معنوی ربط‌دهندهٔ عناصر مختلف این سبک زندگی برمی‌شمارد، بانوان مصاحبه‌شونده مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی ـ ارتباطی را برای چادر برشمردند که به نظر می‌رسد می‌توانند تحت عناوین ذیل مورد جمع‌بندی قرار بگیرند:

۱. **وجوه مادی یا ظاهری چادر:** آنچه نحوه و کیفیت استفادهٔ صحیح از پوشش سرتاسری پارچه‌ای را تعیین می‌کند؛

۲. **وجوه رفتاری چادر:** آنچه نحوه و کیفیت ارتباطات کلامی و غیرکلامی بانوی چادری را در مواجهه با نامحرم تعیین می‌کند (امور غیرمربوط به پارچه مشکی)؛

۳. **وجوه معنوی چادر:** آنچه نحوه و کیفیت سلوک معنوی، عبادی و امور شرعی غیرمربوط به مسائل محرم و نامحرم را مشخص می‌کند؛

٤. **وجوه اجتماعی چادر:** آنچه نحوه و کیفیت سلوک رفتاری دیگران را با بانوی چادری مشخص می‌کند و نتایجی را که برای جایگاه و شخصیت بانوی چادر به سر به همراه دارد، بیان می‌کند.

آنچه از اظهارات مصاحبه‌شوندگان برمی‌آید این است که از نظر ایشان «وجوه رفتاری» بیش از «وجوه مادی»، در قوام ماهیت سبک زندگی چادرمحور مؤثر هستند و دو وجه باقیمانده نیز پس از مؤلفه‌های رفتاری و مادی قرار می‌گیرند:

خانم ۳ از مصاحبه ۲: «حیا و عفت در رفتار باید باشد، اول رفتار باید حجاب داشته باشد و بعد بحث پوشش مطرح می‌شود. وقتی رفتار سَبُک است، صرفاً یک پارچه سیاه، اهداف چادر زدن [به سر کردن] را تأمین نمی‌کند».

خانم ۷ از مصاحبه ۱: «به نظر من این‌طور نیست [که پارچه سرتاسری مشکی اولویت باشد بلکه] این نحوهٔ رفتار فرد است که مؤثر است. بعضی‌ها را دیده‌ام که رو هم گرفته‌اند ولی نوعی برخورد و حرف زدن و حرکاتی داشته‌اند که خیلی جلب توجه کرده است. انسان در تمام عرصه‌ها باید حجاب داشته باشد، حتی نگاه کردن و حرف زدن. نوعی‌اش هم همین پوشش است که ما داریم. رعایت کردن این حریم‌ها آن وجهه و شخصیت را به بار می‌آورد. اینها کمک می‌کند به آن حریم».

Archive of SID
www.SID.ir

۱. وجوه مادی (ظاهری) چادر

۱-۱. رنگ مشکی تک

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارتباطی حجاب چادر به رنگ غلیظ آن برمی‌گردد که بالاتر از سیاهی رنگی نیست. رنگ مذکور خاصیت بازدارنده و حجاب‌آفرین چادر را به نهایت خود می‌رساند. این واقعیت از سوی بانوان مصاحبه‌شونده مورد اشاره قرار گرفت:

مدیر جلسه: به نظر شما که از چادر استفاده می‌کنید، این نوع حجاب چه ویژگی خاصی دارد؟ چه فرقی با حجاب‌های دیگر دارد و علت اینکه چادر را انتخاب کرده‌اید چیست؟

خانم ۱ از مصاحبه ۱: «به خاطر پوششی که دارد و کاملاً بدن را می‌پوشاند و به خاطر رنگ سیاه».

خانم ٦ از مصاحبه ۱: «مدتی هم چادرهای رنگی سرمه‌ای و قهوه‌ای مُد شده بود که خیلی جلب توجه می‌کرد!...».

گاهی کنار هم قرار گرفتن رنگ مشکی چادر با رنگ‌های جذاب و شاد زیر آن، منجر به جذابیت افزون و جلب توجه چند برابر نامحرم می‌شود. این وضعیت‌های دوگانه همواره مورد اعتراض و اعراض بانوان مصاحبه‌شونده بوده است:

خانم ۱۰ از مصاحبه ۱: «رنگ روسریی که [نقش اول سریال آخرین گناه] می‌پوشیدند جلب توجه می‌کرد؛ مثلاً وقتی قرمز می‌پوشید».

۱-۲. پوشانندگی کامل بدن

از عوامل تمایز چادر با سایر حجاب‌ها و لباس‌ها این است که چادر حداکثری‌ترین لباس و حجاب دنیاست؛ به نحوی که در صورت روگیری استاندارد تقریباً هیچ نقطه‌ای از بدن بانوی چادری خارج از آن قرار نمی‌گیرد. این ویژگی در میان مؤلفه‌های مادی حجاب چادر از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شود. از این جهت انواعی از چادر به سر کردن‌ها که در آن «روگیری» وجود ندارد و جلو چادر «باز» و لباس‌های زیر آن آشکار می‌ماند، استفادهٔ استاندارد به حساب نمی‌آید:

خانم ۳ از مصاحبه ۲: [چادر] کامل‌ترین است و همهٔ جنبه‌ها را دارد. هر حجابی یک سری نواقصی دارد. در مقنعه و روسری، باز شانه و گردن پیداست ولی چادر سر را به شانه وصل می‌کند، حجم شانه و گردن را می‌پوشاند، همین خیلی کامل‌تر است نسبت به بقیه، یا اینکه از سرتا پا را یکپارچه می‌پوشاند [اما] بقیه حجاب‌ها جداجداست».

ویژگی مذکور در صورت عدم رعایت، موجبات انتقاد بانوان مصاحبه‌شونده را فراهم می‌آورد:

Archive of SID
www.SID.ir

خانم ۲ از مصاحبه ۳: من اگر چادر سر می‌کنم به این خاطر است که بتوانم رویم را بگیرم، جلوی چادر را بگیرم ولی این خانم [نقش اول سریال آخرین گناه] که جلوی چادرش باز بود و صورتش باز بود را چادری نمی‌دانم».

۳-۱. استمرار استفاده در برابر نامحرمان

این ویژگی انگارهٔ یک زن را در برابر نامحرمان از اول عمر تا آخر حیات در چهارچوبی یکنواخت و پیوسته حفظ می‌کند؛ به نحوی که حتی افزایش و کاهش میزان مراوده‌ها و تعامل‌های زن چادری با نامحرم نیز نمی‌تواند تصویر ظاهری او را بدون چادر نمایش دهد یا حتی دچار کشف و شهود بیشتری گرداند. این مؤلفه در جای خود بسیار مهم و اساسی است و بالاترین حساسیت بانوان چادری را به نسبت سایر وجوه مادی برمی‌انگیزاند. به نحوی که بانوان مصاحبه‌شونده، رعایت نکردن استفادهٔ مستمر از چادر در برابر نامحرمان را با خروج از فرهنگ چادر یکسان تلقی می‌کنند:

خانم ۱۲ از مصاحبه ۳: [نقش اول سریال بی‌صدا فریاد کن] اگر مدام چادر سرش می‌کرد خوب بود ولی اینکه مرتب چادر را سر می‌کند و برمی‌دارد بد است». خانم ۱۰ از مصاحبه ۳: «مورد اول [سریال آخرین گناه] خیلی بهتر بود. حداقل هر جا می‌رفت چادرش را داشت ولی این خانم خیلی راحت چادرش را درمی‌آورد. چنین چیزی بین خانم‌های چادری معمول نیست».

خانم ۱۲ از مصاحبه ٤: «چادر را مسخره کرده بود. راحت چادر را درمی‌آورد... جالب اینکه بین آن همه مرد قرار می‌گرفت و چادرش را زمین می‌گذاشت!».

۱-٤. سادگی و انعطاف‌پذیری

«سادگی دوخت» دست بانوی چادری را برای ایجاد تغییرات در کاربری‌های مختلف از آن باز می‌گذارد. صاحب حجاب می‌تواند در موقعیت‌های مختلف معنایی و به اقتضای شرایط ارتباطی و محیط اجتماعی، در شکل بهره‌برداری از چادر تغییراتی ایجاد کند. استفاده رهاتر و آزادتر یک دختر دانشجو از چادر در حضور همکلاسی‌های همجنس و در «روگیری» از سوی همان دختر دانشجو به محض ورود همکلاسی‌های مذکر به کلاس، نمونه‌ای از انعطاف‌پذیری است. این ویژگی محصول ساده بودن فیزیکی چادر است؛ بنابراین به هر میزان که در نحوهٔ دوخت چادر پیچیدگی بیشتری روا داریم از امکان چنین انعطافی کاسته خواهد شد. به طور مثال آستین‌دار کردن چادر به‌رغم برخی مزیت‌ها در استفاده راحت‌تر از چادر، به نحو چشمگیری از انعطاف‌پذیری آن می‌کاهد. از سوی دیگر، دست بردن در حالت ساده و بسیط چادر زمینه تغییرات جدیدتر و بیشتری را در طولانی‌مدت در آن فراهم می‌سازد و به نوعی مُدگرایی در چادر دامن می‌زند که پیش از این هرگز سابقه نداشته است:

Archive of SID
www.SID.ir

خانم ٦ از مصاحبه ٤: «با چادر مسئله مدگرایی پیش نمی‌آید. کسی به یک خانم چادری نمی‌گوید که اهل مُد هم هست».

۲. وجوه رفتاری چادر

۲-۱. نابهنجاری آرایش به همراه چادر

خانم ۵ از مصاحبه ۱: «در عرف ما هر کس چادر به سر دارد، به او چادری گفته می‌شود ولی مثلاً خانمی که چادر دارد و آرایش هم کرده، آبروی ما را برده و ما او را از خود حساب نمی‌کنیم. چادرش الکی است. می‌گویم از تو انتظار نداشتم. خیلی‌ها چادر دارند ولی آدم احساس نزدیکی با آنها نمی‌کند».

۲-۲. طرز صحبت کردن به همراه چادر

خانم ۱۱ از مصاحبه ۲: «نمی‌توان گفت چادری نبود. در طیف چادری‌ها قرار داشت [یعنی] چادر داشت [ولی] با مردها راحت بود، بی‌پروا صحبت می‌کرد و در شأن خانم چادری نبود».

۲-۳. طرز راه رفتن به همراه چادر

خانم ۸ از مصاحبه ۳: «طرز راه رفتن و صحبت کردن خیلی جلب توجه می‌کرد [سریال بی‌صدا فریاد کن]».

۲-٤. میزان فاصله فیزیکی با نامحرم به همراه چادر

خانم ٦ از مصاحبه ۳: «این خانم [سریال آخرین گناه] خیلی راحت با نامحرم برخورد می‌کرد. درحالی‌که یک خانم چادری (کسانی که خودشان چادر را انتخاب [آگاهانه] کرده‌اند) اصولی را رعایت می‌کنند. با پسرعمه‌ای که معلوم نیست منجر به ازدواج بشود یا نه آنقدر راحت برخورد کردن، با هم بیرون رفتن... [اشکال دارد]».

۲-۵. نحوه نگاه به نامحرم به همراه چادر

خانم ٦ از مصاحبه ۱: «به نظر من حجابش خوب بود ولی عفاف نداشت. مثلاً وقتی با نامحرم حرف می‌زد، مستقیم در چشمانش نگاه می‌کرد ولی ظاهر چادرش خوب بود».

۲-٦. نحوه تعاملات زن چادری با محرم و نامحرم

خانم ۲ از مصاحبه ۱: «پدر ایشان [نقش اول سریال آخرین گناه] مذهبی بود و عمویشان روحانی بود [ولی] خیلی راحت با پسرعمه‌اش برخورد داشت، مرتب [پسرعمه‌اش] در منزل ایشان رفت‌وآمد داشت ولی طبق عرف و دین ما حتی به قصد ازدواج هم روابط حریمی دارد. ولی ایشان خیلی راحت [بود]، قصد ازدواجشان [فقط] بین خودشان مطرح بود و با پدرشان در میان نگذاشته بودند. آزادانه همه‌جا می‌رفتند. نماد خانوادهٔ مذهبی بود ولی رفتارها صحیح نبود. اگر خانواده مذهبی هستیم، اجازه نداریم روابط تا این حد آزاد و راحت داشته باشیم».

Archive of SID
www.SID.ir

۳. وجوه اجتماعی چادر

۳-۱. احساس آزادی

خانم ٤ از مصاحبه ۲: «خارج از مبانی دینی [با صرف‌نظر از مبانی دینی] خودم حس می‌کنم که در فعالیت‌های اجتماعی آزادترم. راحت‌تر می‌توانم برخورد کنم. این به این خاطر است که با حجاب دیگر جنسیتم مطرح نیست و آن بُعد انسانی من مطرح می‌شود. چادر برای من حریمی محسوب می‌شود که مرا از دیگران جدا می‌کند و حریم خوبی است که مرا از هرگونه گزند و آسیبی جدا می‌کند».

۳-۲. احساس امنیت و آرامش

خانم ۲ از مصاحبه ۱: «[علت امنیت بیشتر چادر] همان شخصیتی است که به انسان می‌دهد. چادر نشان می‌دهد تو اهل خیلی از چیزها نیستی. برای کسانی که قصد تعرض دارند جاافتاده است که کسی که در این پوشش است، خیلی خطرات را از خودش دور کرده است [یعنی تعرض به خانم چادری هزینه بالایی برای متعرض دارد]».

۳-۳. احساس شخصیت و احترام

خانم ۵ از مصاحبه ۱: «در این چهار سال دانشگاه، حدود چهار پنج نفر چادری شدند. وقتی از ایشان می‌پرسیدم شما چرا چادری شدید؟ می‌گفتند: تو جوری بودی که وقتی سر کلاس صحبت می‌کردی، استاد احترام خاصی به تو می‌گذاشت، با اینکه مخالف تو بود. یا بچه‌های دیگر یا آقایانی که در دانشگاه بودند، احترام دیگری به تو داشتند و حتی سبک بازی‌هایی را که انجام می‌دادند، با دیدن من و با ورود من دیگر انجام نمی‌دادند و همه اینها به خاطر پوشش چادر بود».

۳-٤. وجوه معنوی

خانم ۲ از مصاحبه ۲: «[در فهم چادر] ویژگی‌های باطنی را هم باید درنظر گرفت خانم‌هایی که چادری هستند و ظاهر محجبه‌ای دارند ولی از نظر گناهانی مثل غیبت و اسراف و... در سطح بالایی هستند، آسیب بیشتری به طرز نگاه اجتماع به چادر می‌زنند». خانم ۵ از مصاحبه ۳: «ما با چادر فرهنگمان را هم نشان می‌دهیم. چادر نشان می‌دهد این خانم به احتمال زیاد نماز می‌خواند، اهل رعایت است و...».

واکاوی معنای ارتباطی حجاب چادر اصیل

آنچه تاکنون به بحث دربارهٔ آن نشسته‌ایم بررسی ویژگی‌های تمایز بخش حجاب چادر از منظر بانوان چادری بوده که در مجموع ذیل چهار عنوان کلی (ویژگی‌های مادی، ویژگی‌های رفتاری، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های معنوی) قرار داشت. در بخش پیش رو بنا داریم با کنار هم گذاشتن مجموعه ویژگی‌های برگرفته‌شده و قرائت مجموعی آنها به عنوان کلیتی منسجم و همگرا به نوعی معناپژوهی از حجاب چادر بپردازیم.

Archive of SID
www.SID.ir

چنانچه آمد در ذهنیت بانوان مصاحبه‌شونده از میان ویژگی‌های چادر آنچه بیش از سایرین در تولید و حفظ حقیقت چادراهمیت و حالت کانونی داشت، وجه رفتاری بود. وجه رفتاری بستر گسترده و وسیعی است که وجه مادی چادر را کارکرد و معنا می‌بخشد. دقت در وجوه رفتاری چادر نشان می‌دهد این مؤلفه‌ها تقریباً همان عوامل و هنجارهایی است که قرار است رابطهٔ بانوان مسلمان را با نامحرم تنظیم می‌کند؛ با این توضیح تکمیلی که رویکرد وجه رفتاری چادر به نسبت وجه رفتاری سایر حجاب‌ها و لباس‌ها کاملاً حداکثری است. در حجاب چادر حداکثر مطلوب‌های هنجاری و ارتباطی اسلام در مواجهه با مردان نامحرم مدنظر و مورد مطالبه است.

نگاه حداکثری ـ که اموری بیش از انجام واجبات و ترک محرمات را شامل می‌شود ـ به صورت طبیعی میدان ارتباط با نامحرم را بسیار محدود کرده و به کوچک‌ترین مساحت تقلیل می‌دهد. در رویکرد حداکثری، آرمان هنجارمند کردن مراودات محرم و نامحرم پیش و بیش از اینکه از منظر «**تنظیم روابط**» مورد توجه قرار گیرد از منظر «**تقلیل روابط**» پی گرفته می‌شود. یعنی «تنظیم» صحیح روابط با نامحرم بدون پرداخت جدی به «تقلیل» حداکثری رابطه‌ها یا صورت نمی‌پذیرد و یا به صورت مؤثر رخ نمی‌دهد؛ بنابراین تصور اینکه تنظیم روابط امری مستقل و بی‌ارتباط به تقلیل آنهاست، تصوری ناسازگار با رویکرد حداکثری وجه رفتاری چادر است. رویکرد تقلیلی وجه رفتاری چادر، تنظیم روابط اجتماعی با نامحرمان را از طریق قطع حداکثری ارتباط با ایشان دنبال می‌کند و از همین نقطه است که به تولد و تبلور ویژگی‌هایی خاص در وجه مادی چادر می‌انجامد. این ویژگی‌ها، هماهنگی کاملی با سیاست اسلامیِ «تقلیل حداکثری ارتباط با نامحرمان» دارند و دقیقاً برای اجرا و اعمال آن طراحی شده‌اند. چنانچه در توضیحات وجوه مادی چادر آمد این حجاب، حداکثری‌ترین پوشش حال حاضر دنیاست که اجازه نمی‌دهد هیچ نقطه‌ای از بدن بانوان برای نامحرم مکشوفه بماند. این پوشش وسیع با چاشنی رنگ مشکی به عنوان سنگین‌ترین و جدی‌ترین رنگ، همه تسهیلات ممکن را برای تدارک زمینه اصلیِ «قطع حداکثری ارتباط با نامحرمان» فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه اگر بر اساس لزوم حفظ «انگاره مستمر»، چادر را همواره در پیش چشم نامحرمان به همراه داشته باشیم و حتی برای یک لحظه هم فرصت ملاحظه وضعیت مکشوفه را برای ایشان فراهم نکرده باشیم. «چادر» به پشتوانه مؤلفه «انعطاف‌پذیری» خود البته به بازتولید مستمر و روزمرهٔ خصلت قطع‌کننده و حریم‌آفرین خود می‌پردازد؛ هنگامی که به کاربرش این اجازه را می‌دهد تا با ایجاد تغییر در جلوه و وجهه مادی، نوعی دوگانگی حریم و ربط را میان بانوی چادری با

Archive of SID
www.SID.ir

مردان محرم و میان بانوی چادری با مردان نامحرم القا کند؛ یعنی به همان میزان که با «محرم» خود راحت و مرتبط هستم با «نامحرم» ناراحت و غیرمرتبط هستم. بر این اساس مجموعه‌ای از پوشش حداکثری، رنگ مشکی، استمرار ابدی و انعطاف‌پذیری در بستری قدرتمند از وجه رفتاری تقلیل‌گرای ارتباطی، چادر را «وسیله‌ای برای قطع حداکثری ارتباط با نامحرمان» تعریف می‌کند و معنی می‌بخشد. پس «چادر» بیش از اینکه وسیله‌ای برای ارتباط بیشتر، بهتر و مؤثرتر با نامحرم باشد، وسیله‌ای برای «فقدان ارتباط با نامحرم» است. این نکته‌ای است که بانوان مصاحبه‌شونده نیز در بیان‌های مختلفی بدان اشاره کرده‌اند:

خانم ٦ از مصاحبه ۲: «یک خانم، با حجابِ خود [چادر خود] در واقع یک «نه» بزرگ می‌گوید به تمام سوءظن‌هایی که می‌شود به یک دختر داشت».

خانم دیگری از استعارهٔ «اسلحه» و «گارد» برای توضیح معنای چادرش بهره گرفته است. این استعاره بیانگر وضعیتی در آن است که هیچ نوع انفعال و بی‌تفاوتی را در قبال نامحرم برنمی‌تابد و مُدام در حال پُررنگ کردن حریم‌ها و محدوده‌هاست:

خانم ۹ از مصاحبه ۲: «من از هفت‌سالگی چادر سر کردم. با توجه به محیط خانوادگی و اجتماعی و معلمانی که از کودکی نقش حجاب را برایم جا انداختند، حجاب را برای مصون ماندن پذیرفتم... کارکرد حجاب [چادر] برای من اسلحه و گارد است».

تفاوت‌های «چادر تلویزیونی» با «چادر واقعی»: مطالعه موردی دو سریال تلویزیونی

«چادر» چنانچه گذشت دارای وجوه هویت بخش فرهنگی و ارتباطی است که با چهار عنوان (مادی/رفتاری/اجتماعی/معنوی) توضیح داده شد. بدیهی است بازنمایی‌های تلویزیونی چادر به نسبت دوری و نزدیکی به مؤلفه‌های مذکور واجد ابعاد جدّی‌تر و پررنگ‌تر یا ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تری از هویت مذکور می‌شوند؛ بنابراین سعی خواهیم داشت در مورد هر سریال به یک جدول جامع برسیم که ضمن مشخص کردن وضعیت هریک از مؤلفه‌های مادی، رفتاری و معنوی در نهایت بتواند به این پرسش پاسخ دهد که بالاخره از نظرگاه بانوان مصاحبه‌شونده، شخصیت‌های به نمایش درآمده در سریال‌ها «چادری» محسوب می‌شوند یا خیر؟

Archive of SID
www.SID.ir

نقش خانم‌های چادری در سریال آخرین گناه

	ویژگی‌های چادر	مطلوب	نامطلوب	توضیح
وجه مادی (ظاهری)	رنگ تک مشکی	*		
	ترکیب چادر با سایر لباس‌ها		*	رنگ روسریی که [نقش اول سریال] می‌پوشید جلب توجه می‌کرد مثلاً وقتی قرمز می‌پوشید.
	پوشانندگی کامل بدن		*	من اگر چادر سر می‌کنم به این خاطر است که بتوانم رویم را بگیرم، جلوی چادر را بگیرم ولی این خانم [نقش اول سریال] که جلوی چادرش باز بود و صورتش باز بود را چادری نمی‌دانم.
	استمرار استفاده در برابر نامحرم	*		مورد اول [نقش اول سریال] خیلی بهتر بود. حداقل هرجا که می‌رفت چادرش را داشت ولی این خانم خیلی راحت چادرش را درمی‌آورد. چنین چیزی بین خانم‌های چادری معمول نیست.
	سادگی و انعطاف‌پذیری		*	در این سریال چادر تقریباً به یک شکل واحد استفاده می‌شود و تغییر در شرایط اجتماعی، وضعیت ارتباطی و حتی تعویض مخاطب محرم و نامحرم تغییری در وضعیت روگیری شخصیت ایجاد نمی‌کرد.
	وضعیت آرایش و گریم		*	[بازیگر سریال] را چادری نمی‌دانم. چون صرفاً چادر بر سر گذاشتن، اثراتی را که چادر دارد، ندارد. صورت آرایش‌کرده اثری که چادر قرار است بگذارد را ندارد صرفاً می‌خواهد بگوید من مذهبی‌ام نه بیشتر.
	نحوه صحبت کردن با نامحرم		*	چادرش [بازیگر سریال] ظاهری بود. چیزهایی که خانم چادری رعایت می‌کند را خوب رعایت نمی‌کرد. با نامحرم خیلی راحت برخورد داشت و کارهایی می‌کرد که اصلاً در شأن یک خانم چادری نیست.
	نحوه راه رفتن در حضور نامحرم		*	
وجه رفتاری	میزان فاصله فیزیکی با نامحرم		*	صرف چادر سر کردن را حجاب نمی‌گویند. کسی که چادر دارد در همهٔ حرکات و رفتارهایش تصویر حجاب باید مشخص باشد. من بیشتر به برخورد این خانم با آقایی که تصور ازدواج با ایشان را داشتند اشکال می‌گیرم. حالت صمیمیت داشتند. یک سری حرف‌هایی می‌زدند... یا سوار ماشین آن آقا شدند که من از این نظر ایشان را از جنس چادری خودمان نمی‌دانم.
	نحوه نگاه به نامحرم		*	چادر سر می‌کنیم تا عفت و حیا و متانت زنانه خود را حفظ کنیم ولی خانمی که هم چادر به سر دارد و هم آرایش دارد و صورتش باز است و با ناز و کرشمه و غمزه نگاه می‌کند و حرف می‌زند، در یک قالب نمی‌گنجد.
	مقایسه ارتباطات با محارم و نامحرم		*	پدر ایشان [بازیگر سریال] مذهبی بود و عمویشان روحانی بود [ولی] خیلی راحت با پسر عمه‌اش برخورد داشت، مرتب [پسر عمه‌اش] در منزل ایشان رفت و آمد داشت. ولی طبق عرف و دین ما حتی به قصد ازدواج روابط حریمی دارد. ولی ایشان خیلی راحت، قصد [و مسئله] ازدواجشان [فقط] بین خودشان مطرح بود و با پدرشان در میان نگذاشته بودند. آزادانه همه‌جا می‌رفتند. حالت نماد خانوادهٔ مذهبی بود ولی رفتارها صحیح نبود. ما که خانوادهٔ مذهبی هستیم، اجازه نداریم روابط در این حد آزاد و راحت داشته باشیم.
وجه معنوی			*	شخصیت چادری غیر از چند صحنه استثنایی هیچ نوع بروز شرعی و عبادی نداشت و از این جهت با بانوان غیرچادری تفاوتی را نشان نمی‌داد.

Archive of SID
www.SID.ir

جدول مربوط به بررسی نقش خانم‌های چادری سریال بی‌صدا فریاد کن

	ویژگی‌های چادر	مطلوب	نامطلوب	توضیح
وجه مادی (ظاهری)	رنگ تک مشکی	*		
	ترکیب چادر با سایر لباس‌ها	*		نمایش این خانم هماره در حین مأموریت در محل کار بود لذا به دلیل اقتضائات شغلی رنگ مانتو و مقدمه‌اش تیره و شبیه رنگ چادر بود.
	پوشانندگی کامل بدن		*	
	استمرار استفاده در برابر نامحرم		*	[نقش اول سریال] چادر را مسخره کرده بود. راحت چادر را درمی‌آورد. نباید چنین شغلی را انتخاب می‌کرد. خانم‌ها اجازه ندارند هر شغلی را در جامعه انتخاب کنند. جالب این است که بین آن همه مرد قرار می‌گرفت و چادرش را زمین می‌گذاشت.
وجه مادی (ظاهری)	سادگی و انعطاف‌پذیری		*	استفاده یکنواخت و یک‌شکل از چادر در این سریال نیز وجود داشت و با عوض شدن شرایط ارتباطی، تقریباً هیچ تفاوتی در نحوهٔ چادر به سر کردن شخصیت مشاهده نمی‌شد.
وجه رفتاری	وضعیت آرایش و گریم		*	اصلاً هدفش از چادری بودن مشخص نبود. هدف از چادر پوشیدن، حفظ ارزش‌ها و پوشاندن ظواهر است. در اینجا ظواهرش را بیشتر آشکار کرده بود. چون بی‌هدف بود، گاهی چادر داشت بنابر اجبار و گاهی چادر نداشت.
	نحوه صحبت کردن با نامحرم		*	
	نحوه راه رفتن در حضور نامحرم		*	طرز راه رفتن و صحبت کردنش خیلی جلب توجه می‌کرد.
	میزان فاصله فیزیکی با نامحرم		*	
	نحوه نگاه به نامحرم		*	
	مقایسه ارتباطات با محارم و نامحرم		*	خ ۱۵: روابط هم بد بود، صحیح نبود. آدم حس می‌کرد آن سرهنگ علاوه بر رابطه کاری که مافوق خانم بود، رابطه دیگری هم با او داشت. متلک می‌گفت یا حرف نامناسبی می‌زد. خ ۹: علت راحت بودن آقایان با ایشان همین بود که گاهی چادر داشت و گاهی نداشت. خ ۱۳: باید سنگینی و وقار می‌داشتند و اجازه نمی‌دادند که آقایان این‌قدر راحت با ایشان صحبت‌کنند.
وجه معنوی			*	شخصیت چادری تقریباً در هیچ صحنه‌ای بروز و ظهور معنوی و عبادی نداشت.

Archive of SID
www.SID.ir

بحث نهایی: چادر تلویزیونی به مثابه «چادرنما»، «تزیین» و «شنل»

چنانچه از دو جدول فوق برمی‌آید، در سریال «آخرین گناه» از مجموع ویژگی‌های چادر فقط دو ویژگی «رنگ تک مشکی» و «استمرار استفاده در برابر نامحرم» به صورت مطلوب نمایش داده شده بود و در ده ویژگی دیگر استانداردهای چادر هرگز رعایت نشده بود. در سریال «بی‌صدا فریاد کن» نیز فقط دو ویژگی «رنگ تک مشکی» و «ترکیب چادر با سایر لباس‌ها» به صورت مطلوب مورد توجه بوده است و در ده ویژگی باقیمانده، شرایط استاندارد در بازنمایی رعایت نشده است.

از نظر بانوان مصاحبه‌شونده، فقدان اکثر ویژگی‌های مقوّم هویت چادر در شخصیت‌های پیش‌گفته «معنای چادر» را در ایشان تضعیف و در نهایت زایل می‌کند، لذا با اینکه برافراشتن و حمل «پارچه مشکی سرتاسری» به صورت جدّی در صحنه‌های مختلف سریال برجسته شده اما هرگز نمی‌توان عنوان «بانوی چادری» را تیتر مناسب و صحیحی برای ایشان دانست. بانوان مصاحبه‌شونده اصطلاحات جالبی را برای اشاره به چنین پدیده غریبی به کار می‌بردند:

چادری‌های بدحجاب: خانم ۵ از مصاحبه ۳: «این خانم [نقش اول سریال آخرین گناه] شخصی است که چادر برایش ملاک نیست. از روی عادت سر می‌کند. در هر قشری هم پیدا می‌شود... در واقع چادری‌های بدحجاب همین قشر هستند...».

چادرنما: مصاحبه ۳ خانم ۲: «اگر چادری‌های جامعه مثل این خانم بازیگرند. چادر یک حجاب واقعی نیست... حجابش کامل نیست، از زینت‌های شخص است، رفتارش با نامحرم نادرست بود». خانم ۵: «به نوعی چادرنما هستند».

مفاهیم «چادری‌های بدحجاب» یا «چادرنماها» استعاره‌های جالبی هستند که می‌توانند بیانگر انواعی از تناقض و ناسازگاری در انگارهٔ تلویزیونی پیش‌گفته باشند. این انگاره‌ها پدیده‌هایی رسانه‌ای هستند که از دو یا چند پارهٔ معنایی ناچسب تشکیل شده‌اند که در بهترین حالت همدیگر را خنثی می‌کنند و نوعی از وضعیت بی‌معنایی یا ابهام را به وجود می‌آورند، ولی توجه داشته باشیم که تناقض‌ها همیشه در ابهامی خنثی آرام نگرفته، پاره‌های معنایی مختلف به سوی تسلط گفتمان معنایی خویش بر پاره‌های دیگر حرکت می‌کنند. بانوان مصاحبه‌شونده در یک سطح کلی نه‌تنها متوجه این ناسازگاری معنایی شده‌اند، بلکه در سطح عمیق‌تری از تحلیل، به نشانه‌های بازتولید انگاره‌های جدیدی از حجاب چادر اشاره می‌کنند که معنای جدید و متفاوتی را القا می‌کنند. مصاحبه‌شوندگان از استعاره‌هایی مثل «تزیین» برای توضیح معنای اخیر استفاده کرده‌اند:

Archive of SID
www.SID.ir

خانم ۹ از مصاحبه ۳: «خانمی که این تیپ چادر زدن را انتخاب می‌کند، دنبال زیبایی و مدگرایی است و مطمئناً هر روز چیزهای جدیدتر و جالب‌تری می‌آید که به دنبالش برود... این پوشش نوعی تزیین است نه حجاب!»

به عبارت دیگر «چادر» نه‌تنها از زمینه اصلی خود (عفاف) منفک شده و معنای «ارتباط حداقلی با نامحرم» را از دست می‌دهد بلکه در یک نقض غرض آشکار به جزئی از گفتمان جذابیت ارتباطی تبدیل می‌شود؛ گفتمانی که فلسفه و آرمان آن فراهم ساختن حداکثر جاذبه و عشوه‌گری برای جلب بیشترین نظرها و ارتباط‌هاست:

خانم ۳ از مصاحبه ۲: «انسان از انجام هر کاری هدفی دارد. چادر سر کردن هم هدف خاصی دارد. ولی اینجا نوعی نقض غرض می‌بینیم. در سریال‌ها و فیلم‌ها و مجریان تلویزیون اکثراً همین‌طور است و نقض غرض است. چادر سر می‌کنیم تا عفت و حیا و متانت زنانه خود را حفظ کنیم ولی خانمی که هم چادر به سر دارد و هم آرایش دارد و هم صورتش باز است و با ناز و کرشمه و غمزه نگاه می‌کند و حرف می‌زند، در یک قالب نمی‌گنجند. انگار با رفتار خود می‌گوید من سلامت عقلانی ندارم...!». با خانمی که آرایش کامل می‌کرد و رفتار زننده‌ای هم داشت ولی چادر سر می‌کرد، صحبت می‌کردم و علت چادری بودنش را پرسیدم. می‌گفت چادر می‌زنم چون بهم می‌آید و واقعاً چادر زیباترش می‌کرد!

به نظر می‌رسد که به موازات عبور از ماهیت «چادر» به سوی ماهیتی «تزیینی» با جرئت افزون‌تری بتوان به دگردیسی عنوان آن نیز تن داد و زین پس با واژه‌ای مثل «شنل» به پارچه مشکی موسوم به چادر اشاره کرد؛ اینجاست که می‌توان گفت «حجاب چادر» به «لباس» (شنل) تقلیل یافته است. بدین ترتیب دیگر نه با یک «حجاب» بلکه با «لباسی» ـ بخوانید با «شنلی» ـ مواجهیم که حتی در برهنه‌ترین فرهنگ‌ها هم جزء جذاب‌ترین پوشش‌ها محسوب می‌شود:

خانم ۱۲ از مصاحبه ۲: من اصلاً اینها [سریال بی‌صدا فریاد کن] را چادر نمی‌دانم. در اینجا چادر نوعی لباس (≠حجاب) است. مثل «شنل» یا «پالتو» که هر وقت لازم است استفاده می‌شود و هر وقت دست و پاگیر می‌شود، درمی‌آورند.

«چادر تلویزیونی» و معنای متجلی در اذهان بانوان چادری اصیل

چنانچه تاکنون گذشت، نقش‌های چادر به سر سریال‌های «آخرین گناه» و «بی‌صدا فریاد کن» از نظر بانوان مصاحبه‌شونده «خودی» محسوب نمی‌شوند. معنای کلی این نقش‌ها از نظر مصاحبه‌شوندگان که با استعاره‌هایی مثل «چادری‌های بدحجاب» یا «چادرنماها» و یا «تزیین»

Archive of SID
www.SID.ir

مورد اشاره قرار گرفتند در تناقضی آشکار با معنای اصیل چادر قرار داشت. اما غیر از معنای کلی پیش‌گفته برخی معانی ضمنی و حاشیه‌ای نیز به صورتی متکثر و بعضاً بسیار جالب در اذهان ایشان شکل گرفته بود که بخش پیش رو به تشریح آنها اختصاص دارد.

«چادرنماها» به معنای وجود برخی محدودیت‌های ذاتی در فرایند تولید رسانه‌ای در جمهوری اسلامی ایران

تعدادی از بانوان مصاحبه‌شونده، «چادرنماها» را ذیل مسئله فرهنگی ـ رسانه‌ای بزرگ‌تری تحلیل می‌کردند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در فضای رسانه‌ای و به‌ویژه تلویزیون ایران رخ داد و آن ناسازگاری ذاتی برخی امور هنری ـ رسانه‌ای با رعایت دقیق موازین شرعی اسلام است. این مسئله در قالب‌های آشنایی از سوی مخاطبان تلویزیون ایران تجربه شده و دیگر بخش مهمی از سواد رسانه‌ای ایشان محسوب می‌شوند. اینکه خانم‌های بازیگر مجبورند به هنگام بازی در برابر نقش‌های محرم و حتی درون خانه از حجاب استفاده کنند، اینکه لمس متقابل نقش‌های محرم از سوی یکدیگر در قریب به اتفاق موارد ممنوع است، اینکه به‌رغم پخش صوتی اما هیچگاه تصویر اسباب موسیقی و ساز از تلویزیون دیده نمی‌شود، برخی از نمودهای تناقضات مذکور است (نگاه کنید به محسنیان راد، ۱۳۸۱). از نظر بخشی از بانوان مصاحبه‌شونده ابعادی از «پدیده چادرنماها» در چهارچوب این «پدیده به ناچار» قابل فهم است. مثلاً؛ در عین حال که گریم نقش‌های چادری امری ناسازگار با وجه رفتاری چادر است اما یکی از مصاحبه‌شوندگان این مسئله را واقعیتی تحمیلی که گریزی از آن نیست تلقی می‌کرد:

خانم ۸ از مصاحبه ۱: «همه بازیگرها باید گریم شوند بالاخره...».

خانم ٤ از مصاحبه ۲: «کارگردان فقط می‌خواست نشان دهد که این دختر مذهبی است ولی چون سریال است و باید زیبا هم باشد [پس] باید تمام کارایی‌هایی که یک بازیگر انجام می‌دهد را داشته باشد».

«چادرنماها» به معنای ضعف مهارت‌های هنری ـ رسانه‌ای و دانش فرهنگی دست‌اندرکاران تولید

از نظر بخشی از مصاحبه‌شوندگان «چادرنما» بیش از هر چیز محصول کم‌اطلاعی نویسندگان، کارگردانان یا بازیگران سریال‌های تلویزیون از «معنای چادر» و مؤلفه‌های مختلف آن است و یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت‌ها، برآیند ضعف ایشان در مهارت‌های تولید و بازنمایی رسانه‌ای چادر اصیل است. تجلی این دست از معانی در اذهان بخش‌هایی از مخاطبان دغدغه‌مند و نخبه تلویزیون، معمولاً با چاشنی بدبینی به سابقه و لاحقه هنرمندان و اهل رسانه همراه است:

Archive of SID
www.SID.ir

خانم ٦ از مصاحبه ۲: «هدف آقای فخیم‌زاده یا هر کارگردان دیگری اصلاً نشان دادن یک خانم چادری نبوده است، متأسفانه کارگردان‌های ما ضعیف و بی‌دغدغه هستند».

«چادرنماها» به معنای اجبار سلیقه‌ای چادر از سوی نظام بروکراسی کشور

بخشی از بانوان مصاحبه‌شونده، چادرنما را اصلاً پدیده‌ای رسانه‌ای نمی‌پندارند بلکه آن را محصول برخی شرایط در سازمان‌های دولتی می‌دانند که به واسطه اجبار چادر در ادارات و برخی دانشگاه‌ها به وجود آمده است. از نظر ایشان تلویزیون فقط گزارشگر یک واقعیت اجتماعی است و بس. این تلقی معنایی به‌ویژه در بانوانی ایجاد شده که خود چنین اجباری را یا تجربه و یا مشاهده کرده بودند:

خانم ۳ از مصاحبه ۲: «وجود این‌گونه چادری‌ها را برای جامعه مضر می‌دانم. یکی از موضوع‌هایی که [قبلاً] ما را عصبانی می‌کرد همین موضوع بود. چون در دانشکده الهیات چادر اجباری است. همیشه ما که بیرون چادری بودیم حرص می‌خوردیم. انگار نوعی توهین به ما بود اجباری بودن چادر. تکلیف آدم باید با خودش روشن باشد. چادر یک اقتضائاتی دارد و این اقتضائات باید در رفتار خودش را نشان دهد. اگر کسی رفتارش متانت و حجاب ندارد، خوب ظاهرش هم نداشته باشد».

«چادرنمایی»؛ استفادهٔ فرصت‌طلبانه و سودجویانه از چادر

در تلقی برخی از مصاحبه‌شوندگان «چادرنماها» ناظر به استفاده ابزاری و ریاکارانه برخی زنان از چادر برای کسب منفعت مادی، انجام امور اداری و ارتقای شغلی تحلیل می‌شد:

خانم ۲ از مصاحبه ۳: «خانمی که چادر به سر می‌کند ولی اعتقاد ندارد به این خاطر است که چادر هم مثل هر چیز دیگری برایش بهره‌مندی دارد و می‌خواهد از مزایایش استفاده کند....».

«چادرنمایی» نشانه سیطره گفتمان‌های غرب‌زده و فمینیستی در بازنمایی تلویزیونی زن ایرانی

برخی از بانوان مصاحبه‌شونده، پدیده «چادرنما» را نشانه‌ای از نگاه غربی دست‌اندرکاران تولید تلویزیونی به زن ایرانی می‌دانند که ایشان را علاقه‌مند کرده توانمندی زنان را با ورود همه‌جانبه ایشان به عرصه‌های مردانه و سخت اثبات کنند. در این رویکرد زن موفق کسی است که در حوزه‌هایی که بیشتر به مردان مربوط است حاضر باشد و در عوض از عرصه‌های بیشتر زنانه و مادرانه اجتناب ورزد. این واقعیت به‌ویژه در سریال «بی‌صدا فریاد کن» به اوج خود رسیده است.

Archive of SID
www.SID.ir

خانم ۱۲ از مصاحبه ۱: ما به پلیس خانم نیاز داریم ولی در اینجا چه نیازی هست که یک خانم از دیوار بالا برود؟ لزومی ندارد. در این سریال انگار فقط می‌خواسته شخصیت خانم را فعال و ایدئال نشان دهد. درصورتی‌که جایگاهش کلاً اشتباه است. به خانواده و بچه خود اهمیت نداده و آمده در جایگاهی که اصلاً لزومی ندارد فعالیت کند».

خانم ۵ از مصاحبه ۱: «سریال‌ها دو گونه خانم چادری را نشان می‌دهند. یا در خانواده‌های سنتی و قدیمی که خانم‌ها دور هم می‌نشینند و سبزی پاک می‌کنند و اکثراً هم ندار و بیچاره هستند... یا نقش کسانی که هم‌ردیف مردان هستند و گویی می‌خواهند از مردها کم نیاورند را جلوه می‌دهند... درحالی‌که نگاه اسلام هیچ‌یک از این دو نیست، نه سنتی، نه مدرن. شخصیت سریال همان زن غرب‌زده است؛ فقط یک چادر سرش کرده‌اند...».

«چادرنمایی»؛ تمسخر و تخریب عمدی چادر و توهین به چادری‌ها

چادری‌ها چه از مطالعه تاریخ، چه از تجربیات شخصی، چه از فضای رسانه‌ای و چه از شنیدن خاطرات چادری‌های دیگر، معمولاً در جریان مخاطرات و تنش‌هایی که بابت پایبندی به چادر گرفتار آن شده‌اند، قرار می‌گیرند. همین‌قدر تجربه تلخ و سخت کفایت می‌کند که از بابت حفظ کیان چادر در اجتماع حساس و نگران باشند. این نوع نگرانی فرهنگی شاید در مورد هیچ قشری از اقشار اجتماعی به غیر از قشر روحانیت مشابهی نداشته باشد. مسخره کردن، توهین کردن و تخریب کردن چادر همواره حساسیت صاحبان چادر را برانگیخته است:

مدیر جلسه مصاحبه ٤: «به نظر شما حضور این تیپ چادری‌ها در جامعه مفید است؟ (پاسخ منفی است) و می‌گویند: بدآموزی دارد و تمسخر چادر است».

ـ مدیر جلسه مصاحبه ۳: «به نظر شما ترویج چنین تیپی [که چادری نمی‌دانید] ولی مانتویی هم نیست را به نفع جامعه می‌دانید یا ضرر؟»

خانم ٤: مسلماً ضرر؛ «چون وقتی همچین افرادی در جامعه زیاد شوند، افراد جامعه دید منفی نسبت به چادر و چادری پیدا می‌کنند».

خانم ۱۱: «این تیپ زمینه‌ساز می‌شود برای چیزهای دیگر. حجابش ممکن است بدتر از این شود. در عرف کم‌کم حجاب کم‌رنگ می‌شود. فکر می‌کنند حجاب واقعی این است ولی این فقط یک چادر سر کردن [بی‌خاصیت] است».

«چادرنمایی»؛ بستر تبدیل چادر به لباس (شنل)

یکی از نکات بسیار جالب توجه در اظهارات بانوان چادری این بود که «چادرنما» ابزاری

Archive of SID
www.SID.ir

برای ایجاد تغییر و تبدیل در ماهیت ارتباطی چادر از یک حجاب دافعه‌برانگیز به یک لباس جاذبه‌خیز است؛ چیزی مثل «شنل» که هیچ نسبتی با آرمان عفیفانه چادر ندارد. حال اگر این نوع شنل با نام «چادر» ترویج و مصرف شود آیا نمی‌توان انتظار داشت که پس از مدتی و به‌تدریج اصل تلقی عمومی از خود چادر دگرگون شود و در آینده‌ای نه‌چندان دور، بسیاری خود چادر اصیل ایرانی را پدیده‌ای نابهنجار و انحرافی تلقی کنند؟! همان‌طور که خانم ۵ در مصاحبه ۳ ابراز داشت:

نشان دادن این نوع چادری مضر است؛ هم روی چادری‌ها این اثر را دارد که کم‌کم عادت می‌کنند به این‌گونه چادر سر کردن، هم غیرچادری‌ها این مدل چادر سر کردن را یاد می‌گیرند که ناقص است و دیگر چادر من و طرز تفکر من را قبول نمی‌کند. معمولاً هم [در سریال‌ها] این‌گونه افراد را افراد موفقی نشان می‌دهند و این خانم تبدیل به یک الگوی موفق می‌شود [پس] به ضرر جامعه می‌دانم و کم‌کم در ذهن مردم این نوع چادر شکل می‌گیرد و دیگر چیزی از چادر واقعی باقی نمی‌ماند و فراموش می‌شود و ما در اقلیت قرار می‌گیریم».

«چادرنمایی»؛ گام اولیه در تمرین کاربری اصیل چادر

عنوان فوق بیانگر تنها تلقی مثبت از «چادرنماها» است که در تعداد انگشت‌شماری از بانوان مصاحبه‌شونده وجود داشت. ایشان برخلاف اکثریت خانم‌های چادری معتقد بودند به چند دلیل ترویج «چادرنما» مورد قبول است:

۱. در شرایط فعلی ترویج چادر اصیل دشوار است و مورد پذیرش نیست بنابراین باید کمی توقع را پایین بیاوریم تا دختران گرفتار مانتوهای بد نشوند:

خانم ۱۰ از مصاحبه ۳: «این حجاب در جامعه فعلی ما بهتر از این است که بخواهند هزارجور دیگر بگردند. اگر حجاب [اصیل] را ترویج بدهیم هیچ‌کس نمی‌پذیرد، چون دنیای غرب خیلی تبلیغات می‌کند».

۲. می‌توان «چادرنما» را مقدمه رسیدن به چادر واقعی دانست. تجربیات این دست از مصاحبه‌شوندگان نشان می‌داد استفاده از «چادرنماها» در نهایت به استفاده از خود «چادر» انجامیده تا اینکه از آن دور کرده باشد.

خانم ۱۰ از مصاحبه ۳: «[درست است که] از همین تیپ [چادرنما] حجاب شروع می‌شود ولی کم‌کم که با حجاب آشنا می‌شوند، حجابشان کامل می‌شود. این موضوع در موارد بسیاری دیده شده است. من خانم بازیگر را چادری می‌دانم [اشاره به سریال آخرین گناه]».

البته همین چند خانم مصاحبه‌شونده نیز در مورد مصادیق چادرنماهای قابل قبول، به

Archive of SID

www.SID.ir

حدودی قائل بودند و موارد خارج از آن را هرگز تأیید نکردند؛ چنانچه «چادرنمایی» از نوع سریال «بی‌صدا فریاد کن» کاملاً مردود و خارج از حیطه استاندارد حداقلی قرار می‌گرفت درحالی‌که «چادرنمایی» سریال «آخرین گناه» را می‌پذیرفتند:

خانم ۹ از مصاحبه ۲: گاهی در پله‌های ترقی می‌توان از کم شروع کرد و به زیاد رسید. گاهی از بد و بدتر باید بد را انتخاب کرد. شاید در مواردی مضر باشد ولی در میان همین خانم‌ها هم هستند کسانی که به چادر حقیقی می‌رسند. بعضی به خاطر کمبود دانش و آگاهی و عدم آشنایی با فلسفه و فواید حجاب و موقعیتی که در آن قرار دارند، حجاب را به طور کامل رعایت نمی‌کنند. گاهی همان چادر ناقص باعث می‌شود رفتار و منش تصحیح شود. از بدی به سوی خوبی پیش می‌رود. صد درصد موافق نیستم که این تیپ به حجاب ضرر می‌زند.

«چادر تلویزیونی» از منظر دو مکتب ارتباطی «انتقال» و «تبادل و دریافت معنی»

در بحث‌های پیشین به‌روشنی نشان داده شد که «چادر» چگونه در فرایند بازنمایی تلویزیونی تا کارکردهایی کاملاً متناقض نیز پیش رفت. این در حالی است که انگیزه و هدف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان رسانه ملی از پیگیری سیاست ترویج و تحسین «چادر» در تلویزیون هرگز چنان نبوده است. رویکرد مثبت ایشان به حجاب چادر و توجه جدی به حفظ شأن و منزلت آن به تصریح در بند ٤-١ سیاست‌ها و ضوابط پوشش و حجاب در افق رسانه ملی آمده است:

«در برنامه‌ها لازم است شأن و منزلت چادر به عنوان حجاب برتر رعایت شود و از «چادر» در نقش‌های منفی و حقیر و نازل استفاده نشود، مگر هنگامی که نقش منفی آشکارا از چادر سوءاستفاده یا استفاده ابزاری کرده باشد...» (جزوه سیاست‌های اجرایی افق رسانه، ۱۳۸۵).

آنچه موجب شده «سیاست ترویج و تحسین چادر» دچار آسیب‌های پیش‌گفته شود نوعی از سوءتفاهم معنایی و اختلال در تلقی از این حجاب است که شکاف فاحشی را میان دیدگاه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان از یک سو و تهیه‌کنندگان، کارگردانان و بازیگران و سایر حرفه‌ای‌ها از سوی دیگر برقرار می‌کند. به‌نظر می‌رسد سیاست‌گذاران به دلیل بداهتی که از معنای چادر و خواص آن در ذهن داشته‌اند چنین پنداشته‌اند که همین معنا و طرز تلقی در دیگران نیز به صورتی شفاف وجود داشته باشد و بر این اساس نتیجه گرفته‌اند که سیاست ترویج و توسعه «چادر» در قاب تلویزیون به اهداف مورد انتظارشان خواهد انجامید. اما نتایج تحقیق نشان می‌دهد عمل به توصیه‌های سیاست‌گذارانه هرگز نتایج مد نظر آنها را در پی نداشته و حداکثر همگرایی ذهنی و زبانی دو طرف در یکی دو مؤلفه مادی حجاب چادر،

Archive of SID
www.SID.ir

خلاصه می‌شود (نگاه کنید به بخش ۳-۱-۱ و ۳-۱-۲)؛ بنابراین لازم است پیش از اعمال سیاست ترویجی، مؤلفه‌های معنایی چادر تبیین شده باشد. نکته مهم این است که سامان دادن چنین تبیین معناشناختی چیزی است که نمی‌توان از خلال تلقی «انتقالی» بدان دست یافت. عرصه محدود فهم «انتقالی» از ارتباطات، مجال ادراک همه‌جانبه و گسترده‌ای این‌چنینی از معنا را نمی‌دهد. چنانچه حداکثر ملاحظات محتوایی این رویکرد در برداشتی «**مثبت**» و «**برتر**» از حجاب چادر منحصر می‌شود و همان‌گونه که در مرور سیاست (٤-١) ضوابط پوشش افق رسانه آمد، در سریال‌های تلویزیونی، «حجاب چادر» باید بر سر «شخصیت‌های مثبت» باشد. اما اینکه در عرصهٔ پهن‌دامنه و چندوجهی «شخصیت مثبت»، راهبردهای سازگاری و تعامل «چادر» با آن چگونه تبیین می‌شود، سؤالی است که مکتب انتقال نمی‌تواند از عهده پاسخ آن برآید. در چهارچوب مکتب انتقال همین‌قدر که هم‌نشینی بین «چادر» و «نقش‌های مثبت تلویزیون» برقرار شده باشد و این همنشینی‌ها توسعه یابد، آرمان ترویج و تحسین فرهنگ چادر محقق شده است. به عبارت دیگر صرف توسعه نشانه «چادر» در سریال‌های تلویزیونی با توسعه و ترویج چادر برابر شده درحالی‌که چنین فرضی حداقل در تحقیق پیش رو به چالش جدی کشیده شد.

در این تحقیق با خوانش‌گرانی مواجه بودیم که به واسطه تجربه و مشارکت جدی در زندگی با چادر، معنای روشن و دقیقی از این حجاب در ذهن داشتند و می‌توانستند در تعامل با متن تلویزیونی رفت و برگشت مستمری از چادر متجلی در قاب تلویزیون به چادر متجلی در ذهن خود داشته باشند. آنها از خلال این رفت و آمد، «چادر تلویزیونی» را بسان امری کاذب و جعلی فهم کردند. حال تصور کنید از کارگردان یا تهیه‌کننده‌ای که تجربه قابل اعتنا و اتکایی از ورود در چنین چرخه‌ای از تبادل و دریافت معنی ندارد و بخواهد چادر را در بازنمایی تلویزیونی داخل کند و اصل همنشینی آن را نیز با نقش مثبت رعایت کند. در صورت تحقق چنین شرایطی از سوی کارگردان ظاهراً هدف سیاست‌گذار محقق شده و او در «انتقال» مثبت پیام موفق بوده، ولی توجه داشته باشیم همنشینی «چادر» و «نقش مثبت» اگر در بستری از «ارتباط حداکثری با نامحرم» رخ دهد، تغییرات زیادی را در کارکرد و معنای چادر دامن خواهد زد. با این مقدمه سیاست ٤-١ افق رسانه ملی در حوزه پوشش و عفاف و هر سیاستی مشابه آن که به جای دعوت تولیدکنندگان به برساختن متن‌های تلویزیونی ناظر به «معنای» پدیده‌ها، با تأکید بر وجه نشانه‌شناختی یا زیبایی‌شناختی آنها طراحی و توصیه می‌شود، گزاره‌ای «انتقالی» است و هدف

Archive of SID
www.SID.ir

آن در درجه اول «انتقال» نشانه‌هاست. در رویکرد دریافت معنی، توسعه نشانه‌های چادر مساوی با سبک زندگی چادرمحور قلمداد نمی‌شود و معنای چادر را نمی‌دهد چه اینکه؛ ترکیب پارچه مشکی با زمینه‌های داستانی و زیبایی‌شناسانه و رمزگانی مختلف می‌تواند معانی مختلف و حتی متضادی را در ذهن خوانشگران متجلی کند. بر این اساس درباره سریال‌های «بی‌صدا فریاد کن» و «آخرین گناه» می‌توان گفت که این دو برنامه تلویزیونی اگرچه «نشانه چادر» را انتقال داده‌اند اما ناسازگاری نسبتاً کامل نشانه چادر با سبک زندگی شخصیت‌ها موجب شده که معنای آن در ذهن مصاحبه‌شوندگان به کلی دگرگون شود. این به آن معناست که تلویزیون در سریال «آخرین گناه» و «بی‌صدا فریاد کن» و احتمالاً سریال‌های مشابه، به‌رغم استفادهٔ غلیظ استفاده از پارچه مشکی، در حال ترویج و تحسین چیزی غیر از «چادر» است.

Archive of SID
www.SID.ir

کتابنامه

تامپسون، ج. ب (۱۳۷۸) ***ایدئولوژی و فرهنگ مدرن***، مترجم: مسعود اوحدی، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی آینده پویان.

حریری، ن (۱۳۸۵) ***اصول و روش‌های پژوهش کیفی***، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

دفلوور، م.، و دنیس، او. ای (۱۳۸۳) ***شناخت ارتباطات جمعی***، مترجم: سیروس مرادی، تهران: دانشکده صدا و سیما.

راجرز، او. ام.، و شومیکر، اف (۱۳٦۹) ***رسانش نوآوری‌ها***، مترجمان: عزت‌الله کرمی و ابوطالب فنایی، دانشگاه شیراز.

فلیک، او (۱۳۸۷) ***درآمدی بر تحقیق کیفی***، مترجم: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

فیسک، ج (۱۳۸٦) ***درآمدی بر مطالعات ارتباطی***، مترجم: غبرایی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

لال، ج (۱۳۸۵) «رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ»، مترجم: مجید نکودست، ***مجموعه بازاندیشی دربارهٔ رسانه، دین و فرهنگ***، تهران: انتشارات سروش.

مایرز، ای (۱۳۸۳) ***پویایی ارتباطات انسانی***، مترجم: حوا صابرآملی، تهران: دانشکده صدا و سیما.

محسنیان‌پور، م (۱۳۸۱) «بازخوانی نخستین پژوهش ایرانی درباره برنامه‌های ماهواره‌ای تلویزیون در آسیا»، ***پژوهش و سنجش***.

مک کویل، د (۱۳۸۰) ***مخاطب شناسی***، مترجم: مهدی منتظر قائم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مک کویل، د (۱۳۸۵) ***درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی***، مترجم: پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

مهدی‌زاده، س. م (۱۳۸٤) ***مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات***، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما.

مهرداد، ه (۱۳۸۰) ***مقدمه‌ای بر نظریات ارتباط جمعی***، تهران: انتشارات فاران.

نچمیاس (۱۳۸۲) ***روش پژوهش در علوم اجتماعی***، مترجم: فاضل لاریجانی، تهران: انتشارات سروش.

ویمر، ر.د.، و دومینینگ، ج. آ (۱۳۸٤) ***تحقیق در رسانه های جمعی***، مترجم: کاووس سید امامی، تهران: مرکز مطالعات، تحقیقات و سنجش برنامه ای صدا و سیما.

ویندال، س.، سیگنایزر، ب.، و اولسون، ج (۱۳۷٦) ***کاربرد نظریه‌های ارتباطات***، مترجم: علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

Archive of SID

www.SID.ir